



[دوشنبه 12 تیر 1391 / 12 شعبان 1433 / 02 Jul 2012](#)

آغاز غزوه بني مصطلق در سال پنجم هجري قمري ...

آغاز غزوه بني مصطلق در سال پنجم هجري قمري

بني مصطلق، که طایفه اي از قبیله خزاعه بودند، در ناحیه "قرع" اقامت داشته و با طایفه "بني مدلیج" هم پیمان بودند. رئیس طایفه بني مصطلق، "حارث بن أبي ضرار" بود. وي پس از آن که از اقامت رسول خدا(ص) در مدینه و تشکیل حکومت اسلامي در این منطقه باخبر شد، بسان سایر بزرگان شرک و کفر، نسبت به ریاست و حاکمیت قبیله اي خویش، احساس خطر نمود و در صدد دشمنی و مبارزه با این دین جدید برآمد. وي علاوه بر مردان جنگجوی قبله خویش، مردان بسیاری از طوایف هم پیمان و هم جوار خویش را گرد آورد و ساز و برگ جنگی آنان را فراهم کرد و قصد هجوم به مدینه را نمود.

این خبر به اطلاع پیامبر(ص) رسید و آن حضرت، یکی از یاران خود به نام "بریده اسلمي" را برای تحقیق و تفحص به سوی بني مصطلق روان کرد، تا اطلاع کافی و وافی از تعداد دشمن و ساز و کار آنان به دست آورد.

بریده اسلمي مأموریت خود را به نیکی انجام داد و تمام اطلاعات بدست آمده از بني مصطلق را در اختیار پیامبر(ص) گذاشت.

آن حضرت با سی نفر سواره نظام (که بیست نفر از مسلمانان انصار و ده نفر از مهاجرین بودند) در دوم شعبان سال پنجم و به روایتی سال ششم قمري به سوی ناحیه محل سکونت بني مصطلق حرکت کرد.

برخی از رزمندگان اسلام در این غزوه عبارت بودند از: امام علي بن ابي طالب(ع)، عمار بن یاسر، مقداد بن عمرو، سعد بن معاذ، زبیر بن عوام، ابوبکر بن ابي قحافه، عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، طلحه بن عبیدالله، اسید بن حضیر، ابوعبس بن جبر و ...

واقدي، صاحب کتاب ارزشمند "المغازي" گفت: و خرج مع رسول الله صلي الله عليه و سلم بشر كثير من المنافقين لم يخرجوا في غزاه قط مثلها، ليس بهم رغبة في الجهاد الا أن يصيبوا من عرض الدنيا و قرب عليهم السفر.

یعنی: تعداد زیادی از منافقان به همراه رسول خدا(ص) در این غزه شرکت نمودند. در حالی که آنان در هیچ غزوه اي به مانند این غزوه با رسول خدا(ص) حرکت نمی کردند. آنان هیچ رغبتی به جهاد نداشته و ندارند، مگر این که احساس کنند که به مال دنیا و غنیمت جنگی در سفری کوتاه (و بدون مشکلات خاصي) دست یابند.

به هر روی پیامبر(ص) در مکانی به نام "مریسیع" که چشمه آبی در آن حوالی بود، فرود آمد و از همسران آن حضرت، امّ سلمه و عایشه همراهش بودند. در آن جا پیامبر(ص) به مقدار کافی آب ذخیره کرد و سپاهیان را در دو دسته رزمی صف بندی نمود و به سوی دشمن حرکت کرد.

دشمنان اسلام که از هیبت و شکوه سپاه اسلام، دچار ترس و وحشت شده بودند، معرکه را ترک کرده و به بیابان ها گریختند و تنها قوم بني مصطلق باقی ماندند.

میان مسلمانان مبارز و قوم بني مصطلق، درگیری آغاز شد و طرفین به نبردی سنگین پرداختند. در این غزوه، دلیری و دلاوری مردی امام علي بن ابي طالب(ع) دیدنی و مثال زدنی بود و پس از او مردانی چون عمار، مقداد و زبیر.

اما ساعتی نگذشت که دشمن زبون، متحمل شکست گردید و با دادن ده کشته، از جمله کشته شدن حارث بن أبي ضرار، پرچم پیروزی اسلام برافراشته شد و دویست تن از مردان، زنان و کودکان اسیر شده و اموال و دارایی های فراوانی به غنیمت سپاه اسلام درآمد.

از مسلمانان، تنها يك نفر در این غزوه به شهادت رسید.

پس از پایان جنگ و تقسیم غنائم و اسیران، "جویریة بنت حارث بن ابي ضرار"، که زنی فهیم و خوش زبان بود، نصیب یکی از رزمندگان اسلام شد و بنا به درخواست خود وي، پیامبر اسلام(ص) وي را از آن مسلمان خرید و در راه خدا آزاد کرد و سپس با وي

ازدواج نمود و به میمنت این ازدواج، تعداد یکصد تن از زنان و کودکان، آزاد شدند.

عایشه در این باره گفت: فأعتق مأه اهل بیت بتزویج رسول الله صلی الله علیه و سلم ایّاه، فلا أعلم امرأه أعظم برکه علی قومها منها.

گفتنی است که در همین غزوه، داستان افک و تهمت ناروا به عایشه به وقوع پیوست و قرآن مجید در آیه 11 سوره نور(24) آن را تکذیب نمود.

ترور فضل بن سهل در حمام سرخس در سال 202 هجری قمری

فضل بن سهل، مردی دوراندیش، کاردان، دانشمند و رزم آورد بود و از آغاز رشد مأمون عباسی در خراسان، در کنار وی و از تربیت کنندگان و راهنمایان اصلی مأمون بود. وی در نبرد سنگین میان سپاهیان مأمون و سپاهیان امین در سال 197 قمری، مدیریت جنگی سپاهیان مأمون را بر عهده داشت و آن را به نیکی و پیروزی در محرم سال 198 قمری به پایان برد و اقتدار و خلافت مأمون عباسی را در سراسر عالم اسلام فراگیر و تثبیت نمود و بدین جهت از سوی مأمون به "ذوالریاستین" ملقب گردید.

فضل بن سهل، در فراخوانی امام رضا(ع) به خراسان و پذیرش ولایت عهده مأمون عباسی، نظر مساعد داشت و شاید محرک اصلی مأمون در این کار مهم، خود فضل بن سهل بود.

به هر روی، پس از آن که مأمون عباسی به رشد سیاسی و مدیریتی رسید و بر تمام ابعاد حکومتی و تمام مناطق اسلامی، استیلای کامل یافت، تصمیم گرفت از شهر "مرو" واقع در خراسان بزرگ، هجرت کند و به وطن اصلی خویش و پدرانش "بغداد" برگردد.

هنگامی که مأمون به سوی بغداد برمی گشت، در آغاز فضل بن سهل را از سوی مزدوران ناشناخته حکومتی، در حمام سرخس ترور کرده و وی را ناجوانمردانه به قتل آورد و سپس در طوس، امام رضا(ع) را مسموم و آن حضرت را غریبانه به شهادت رسانید و بدین طریق، دو عنصر اصلی حکومت و خلافت خویش را از سر راه برداشت و با خیالی آسوده به سوی عراق رفت و رضایت عباسیان مقیم بغداد را از این طریق فراهم آورد.

مورخان، تاریخ کشته شدن فضل بن سهل در حمام سرخس را، ماه شعبان دانسته اند. در کتاب "مسند الامام الرضا(ع)" این واقعه را در شعبان سال 203 و در وقایع الایام، در دوم شعبان سال 202 قمری ذکر کرده اند.

ولی به نظر می رسد که تاریخ مزبور، مقرون به صحت نباشد. زیرا امام رضا(ع) در آخر ماه صفر سال 203 قمری به شهادت رسید و مطمئناً قتل فضل بن سهل، اندکی پیش از شهادت امام رضا(ع) بود.

بنابراین، باید قتل فضل بن سهل در ماه محرم و یا ماه صفر سال 203 قمری واقع شده باشد. والله عالم.

تولد شیخ الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن منصور مشهور به خواجه عبدالله انصاری در سال 396 هجری قمری

شیخ الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن منصور مشهور به خواجه عبدالله انصاری، نویسنده، شاعر، محدث و مفسر پرآوازه قرن 5 هجری قمری در سال 396 هجری قمری در شهر هرات متولد شد. او از اعیان ابویوب انصاری صاحبی معروف پیامبر اکرم(ص) بود. شیخ انصاری از کودکی زبانی گویا، طبیعی روان و حافظه ای قوی داشت. او پس از تحصیل علوم دینی و ادبی راهی سفر شد و در بازگشت با شیخ ابوالحسن حرّقانی ملاقات و مباحثه کرد. خواجه عبدالله انصاری در تصوف از شیخ حرّقانی تعلیم گرفت و جانشین او بشمار می رفت. شیخ انصاری آثار منظوم و منثور فراوانی به زبانهای عربی و فارسی دارد که مشهورترین آنها «مناجات نامه، ذم الکلام و منازل السائرين» است. این عارف دانا سرانجام در ذیحجه سال 481 هجری قمری بدرد حیات گفت و در گارگاه هرات به آغوش خاک سپرده شد.

انتشار نخستین شماره روزنامه نسیم شمال در شهر رشت در سال 1325 هجری قمری

نخستین شماره «روزنامه نسیم شمال» در شهر رشت در سال 1325 هجری قمری منتشر شد. مدیر و صاحب امتیاز این روزنامه فکاهی- سیاسی سید اشرف الدین قزوینی معروف به گیلانی بود. انتشار روزنامه نسیم شمال تا زمان انحلال مجلس ادامه داشت. اما پس از گلوله باران مجلس و برچیده شدن روزنامه ها و انجمنها، روزنامه نسیم شمال نیز توقیف شد.